



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



نقش اندیشه‌های تعلیم و تربیت شاعران در ارتقای حرفه‌ای معلمان با تکیه بر آثار اوحدی مراغه‌ای، سعدی و مولانا

صدیقه مسعودی^۱

^۱ کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اقلید

اداره آموزش و پرورش استان فارس، شهرستان اقلید، دبیر ادبیات فارسی دوره متوسطه دوم

Masoudi20.a71@gmail.com

۰۹۱۷۳۵۱۵۳۸۰

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی « نقش اندیشه‌های تعلیم و تربیت شاعران در ارتقای حرفه‌ای معلمان با تکیه بر آثار اوحدی مراغه‌ای، سعدی و مولانا » انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده است. تکنیک گردآوری داده‌ها نیز اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و با تکیه بر اسناد موجود داده‌ها گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه‌های تربیتی در شعر شاعران اوحدی مراغه‌ای، سعدی و مولانا قابل مشاهده و تحلیل است. هر کدام از شاعران ضمن ارائه توصیه‌های تربیتی نظیر دوری از خودپسندی و خودبزرگ‌بینی به آموختن علم و دانش و دوری از مال اندوزی صرف و به کار بردن علم سفارش کرده‌اند. همچنین هر کدام از شاعران بر اهمیت نقش معلم در جریان آموزش در مواردی نظیر تاثیرگذاری ادراک مخاطبین بر جریان آموزش، مشورت گرفتن از نوجوانان، توجه مربی و دانش‌آموز به هدف، تربیت یادگیرندگان بر حسب استعداد و توانایی خود سفارش کرده‌اند. تحلیل و بررسی اشعار موجود نشان می‌دهد که معلمان می‌توانند با تکیه بر اشعار شاعران، ضمن کیفیت بخشی جریان آموزش و فرایند یاددهی و یادگیری، ارتقای حرفه‌ای خود را فراهم سازند.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، آموزش، علم، دانش آموزان، معلم



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱- مقدمه :

ارتقای حرفه‌ای معلمان در حین خدمت، به‌طور مکرر در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در قالب اهداف و راهبردهای مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. این تأکید حکایت از یک اصل مهم دارد و آن تلقی معلم به‌عنوان عامل اصلی تغییر و بهبود کیفیت تعلیم و تربیت است؛ بنابراین ارتقای حرفه‌ای معلمان به منزله راهکاری مهم شایان توجه ویژه است (گندمی، ۱۳۹۵: ۱۲۰) در این میان اندیشه‌های بزرگان، اندیشمندان، شاعران، ادیبان در حوزه تعلیم و تربیت می‌تواند در ارتقای حرفه‌ای معلمان تأثیرگذار باشد. بر این اساس معلمان می‌توانند با تکیه بر اندیشه‌های تعلیم و تربیت افرادی که به تربیت دانش‌آموزان یا دانش‌پژوهان خود مشغول بوده‌اند، به ارتقای حرفه‌ای خود کمک نمایند.

از بین سخنوران هنرمند، آن دسته که در کسوت آموزگاری ظاهر شده و به تربیت مریدان اشتغال داشته‌اند، گاه در آثار و اقوال خود به حضور پربرکت مخاطب یا مخاطبانی اشاره می‌کنند که با همدلی و مشارکت مشتاقانه و طرح پرسش‌های برانگیزاننده، فضای کلاس را تلطیف نموده و نقش قابل توجهی را در تقویت مهارت‌های حرفه‌ای و شکوفاسازی ظرفیت‌های هنری مریدان خود داشته‌اند (فقیه پرشکوهی، ۱۳۹۹: ۲۷). شاعران بزرگ ایرانی نیز در اشعار خود بارها به مسائل تعلیم و تربیت پرداخته‌اند و همواره مریدان و شاگردان خود را با مسائل تعلیمی و تربیتی اندرز می‌دادند از این رو مطالعه آثار بزرگان زبان و ادب فارسی می‌تواند به معلمان در ارائه یک الگوی مناسب کمک نماید تا معلمان با تکیه بر آن اندیشه‌ها ضمن ارتقای حرفه‌ای خود بتوانند اندیشه‌های تعلیم و تربیت را به دانش‌آموزان خود بیاموزند.

مقاله حاضر، قصد دارد تا اندیشه‌های تعلیم و تربیت را در اشعار و آثار شاعران بزرگ ایرانی اوحدی مراغه‌ای، سعدی و مولانا بررسی نماید. بر این اساس اهداف مقاله به شرح ذیل می‌باشد:

- اندیشه‌های تعلیم و تربیت در اشعار اوحدی مراغه‌ای چه جایگاهی دارد؟
- اندیشه‌های تعلیم و تربیت در اشعار سعدی چه جایگاهی دارد؟
- اندیشه‌های تعلیم و تربیت در اشعار مولانا چه جایگاهی دارد؟
- اندیشه‌های تعلیم و تربیتی اوحدی مراغه‌ای، سعدی و مولانا چه نقشی در ارتقای حرفه‌ای معلمان دارد؟

پیشینه پژوهش

درباره سعدی، مولانا و اوحدی مراغه‌ای تاکنون مقالات متعددی نگاشته شده است. حسنی رنجبر و ابراهیمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت در آثار سعدی و اشعار تاگور» با بررسی آثار سعدی و تاگور نوشته‌اند: «هر دو شاعر، دیدی معنوی دارند و تربیت مطلوب هر دو، در جهت تربیت انسان به سوی ایمان به خدا و داشتن تذهیب نفس است. هر دو عقایدی برای اصلاح انسان‌ها و جامعه با دید تربیتی سالم داشته‌اند. معتقدند که بین انسان‌ها نوعی اتحاد وجود دارد. باید قدر وقت را دانست و از آن در جهت تربیت و کمال و تعالی روح استفاده نمود و با هم‌نوع غمخواری کرد.»

رضایی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «کار نیکان را قیاس از خود مگیر؛ برخی از اصول تربیتی در شعر مولانا» یکی از اصول ابتدایی و مهم در فلسفه تعلیم و تربیت را توجه به اصل کمال می‌داند و می‌نویسد: «به عبارت دیگر، هدف تمام آموزش‌های عالم، رساندن فرد به رشد، تعالی و کمال است. برای دستیابی به این مهم، باید ابتدا جایگاه و منش وجود را شناخت؛ سپس هدف تربیت و کمال را مشخص کرد. مولانا بارها این نکته را به مخاطب گوشزد می‌کند که اصل و منشأ ما خداست؛ تمام افعال و اعمال مان با خواست و اراده او انجام می‌شود؛ پس انسان باید همواره به ناظر خود توجه داشته باشد و رفتار خود را بر اساس معیارهایی که از سمت او تعیین شده و مورد تأیید اوست، انجام دهد.»

با این وجود، علی‌رغم اشاره به پژوهش‌های انجام شده، تا کنون پژوهش مدونی پیرامون بررسی اشعار شاعران بزرگ و اندیشه‌های تعلیم و تربیتی آنان برای معلمان تا کنون صورت نپذیرفته است.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



۲- روش شناسی :

روش پژوهش حاضر، از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده است. تکنیک گردآوری داده‌ها نیز اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و با تکیه بر اسناد موجود داده‌ها گردآوری شده است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با مطالعه اسناد موجود ابتدا اندیشه‌های تعلیم و تربیتی هر یک از شاعران را توصیف و تحلیل کرده و سپس نقش اندیشه‌های تعلیم و تربیتی شاعران را در ارتقای حرفه‌ای معلمان شناسایی و واکاوی نماید.

۳- یافته‌ها:

تعلیم و تربیت در اندیشه اوحدی مراغه‌ای:

شیخ رکن‌الدین (یا اوحدالدین) بن حسین اصفهانی مراغی در حدود سال ۶۷۰ هجری در مراغه تولد یافت. وی به سبب ولادت در مراغه به مراغه‌ای و به سبب مدتی سکونت در اصفهان به اصفهانی مشهور است. اوحدی مردی عارف و از رسیدگان کامل بود. سیر و سلوک بسیار داشت و از سخنانش پیداست که در علوم دینی و عرفانی استغراضی عظیم داشته و در مسائل اخلاقی و اجتماعی و تربیتی، دانشمندی پرتجربه و گرانمایه و صاحب نظر بوده است. (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۲۰). یکی از خصائص بسیار مهم شعر اوحدی این است که بسیاری از کلمات و تعبیرات و ترکیبات زبان محاورات محیط زندگی خود و عصر زندگی خود را به کار برده است (مراغه‌ای، ۱۳۴۰). در عرصه تعلیم و تربیت اوحدی مراغه‌ای به مانند ادیبان و شاعران قرن هفتم عمل می‌کرد. شیوه او چنین بود که پس از حمد خدا و نعت پیامبر (ص) و ستایش بزرگان دین، نصیحت را از شاهان و امیران، آغاز و به دیگر مطالب و صفات نیک و بد که در میان مردم رایج بوده است می‌پردازد.

اوحدی در «منع تبختر و طیش» شنونده را به نرم رفتاری و دوری از صفات لابلالی‌گری فرا می‌خواند و می‌گوید:

نرم باش، ای پسر، برفتن نرم / تا نگردد دلت برفتن گرم

این صفتهای لابلالی چیست؟ / تو چه دانی که چند خواهی زیست؟

گفته‌ای: از جهان چو می‌گذریم / خود بیا تا غم جهان نخوریم؟

چه ضرورت به ترک تازیدن؟ / پیش شمشیر مرگ باز دین؟

گوش بر قول ناخلف کردن؟ / مال و اوقات خود تلف کردن؟

در تو چون روزگار چشم کند / چون تواند دلت که خشم کند؟

شاید ارخال خود بگردانی / تا مگر چشم بد بگردانی

باد سر خاکسار خواهد بود / باده خور خاک خوار خواهد بود

نفس اگر شوخ شد، خلافتش کن / تیغ جهلست در غلافش کن

اوحدی در این شعر از مخاطب خود می‌پرسد که چرا گوش به سخنان ناخلف می‌دهد و وقت و مال خود را تلف می‌کند؟ او می‌گوید باید حالت خود را تغییر بدهی تا بتوانی چشم بد را از خودت دور کنی. اوحدی همچنین معتقد است که شخص متکبر بر خاک می‌افتد و ذیل خواهد شد. او در ادامه شعر معتقد است که کمتر شنیده‌است که مرد فروتن و نرم رفتار از خوی خویش خسته شود و نصیحت کند. به عبارتی اوحدی سفارش می‌کند تا از تکبر و خودخواهی جلوگیری شود و افراد فروتنی را در پیش گیرند.

مراغه‌ای در کسب علم توصیه‌هایی نیز کرده است. او معتقد است که افرادی که برای کسب علم گرایش دارند باید هر گونه سختی را به جان بخرند. اوحدی معتقد است که علم را برای کمال باید خواند، نه این که خیال مال اندوزی در سر داشته باشیم و اگر علم در جهت کمال نباشد، سبب نیک‌نامی نمی‌گردد و هر کس که علم را برای زر و دانش را برای سود و زبان طلب کند یا خطیب‌دهی می‌شود که همه مردم آن نادانند و خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند یا علم محلی پرشور و فتنه می‌گردد و دانش خود را با خودش به‌گور می‌برد. او می‌گوید:

چو به کسب علوم داری میل / از همه لذتی فرو چین ذیل

تن به دود و چراغ و بیخوابی / نهاده‌ی، هنر کجا یابی

از پی علم دین بیاید رفت / اگر ت تا به چین باید رفت

علم بهر کمال باید خواند / نه به سودای مال باید خواند

علم کان از پی تمامی نیست / موجب نشر نیک‌نامی نیست



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

هرک ه علم از برای زر طلبید / دانش از بهر نفع و ضرر طلبید
یا خطیب‌دهی شود پرچهل / که ندانند اهل از نااهل
یا ادیب محلتی پرشور / تا کند علم خویشتن در گور

اوحدی در ادامه معتقد است که اگر علم داری از کسی دریغ مکن و چون ابر بر تشنگان بیار و چنان‌چه سرمایه دانش داری دیگران را نیز یاری کن. او می‌گوید:

علم را چند چیز می‌باید / اگر آن بشنوی ز من شاید
طلبی صادق و ضمیری پاک / مدد کوبی ازین افلاک
اوستادی شفیق و نفسی حر / روزگاری دراز و مالی پر
با کسی چون شد این معانی جمع / به جهان روشنی دهد چون شمع
سال‌ها درد و رنج باید دید / از ریاضت شکسنج باید دید
خرقه‌ها گرچه می‌رسد به علی / کس نگردد به نام خرقة ولی
نسبتش با علی درست نشد / هر که چون او به جست نشد

بر این اساس اوحدی مراغه‌ای تلاش می‌کند تا ضمن تشویق به دوری از تکبر و غرور به فراگیران خود تواضع و دوری از خودپسندی را بیاموزد. او همچنین مخاطبان خود را به کسب علم و دانش سفارش می‌کند و معتقد است علم زمانی مفید است که جنبه ثروت‌اندوزی نداشته باشد چرا که چنین علمی در نهایت به سمت مرگ می‌رود و باعث نیک‌نامی نمی‌گردد او علمی را منجر به نیک‌نامی می‌داند که باعث کمک به دیگران شود. او همچنین نقش استاد را در رسیدن به این علم مهم می‌داند چنان‌که می‌گوید استادی شفیق می‌تواند عمر طولانی را برای فرد رقم بزند.

تعلیم و تربیت در اندیشه سعدی:

سعدی، حکیم فرزانه و عارفی وارسته و نویسنده‌ای مردمی و شاعری در حد‌اعلای فصاحت و بلاغت است که آثار وی چه منظوم و چه منثور در برگزیده اندیشه‌های والای تربیتی این اندیشمند توانا و عارف روشن‌ضمیر و معلم اخلاق است. آشنایی سعدی با فرهنگ و معارف اسلامی، جلوه‌ای خاص به آثار گران‌سنگ وی بخشیده است. او در جایگاه فیلسوفی ارزشمند به بررسی اخلاق و نقش آن در مناسبات انسانی و اجتماعی می‌پردازد. در این باره او حتی از بیان دیدگاه‌های تربیتی برای کودکان نیز غافل نشده است. به‌طوری‌که مسائل بنیادی تدبیر فرزندان مورد توجه جدی اوست و در سخنان وی، می‌توان روش تعلیم و تربیت، آموزش مسائل نظری و عملی و انتخاب همنشین مناسب را به روشی بازشناخت (ذکر جمیل سعدی، ۱۳۶۹). سعدی به گواهی آثارش به ویژه گلستان و بوستان، بیش از اغلب شاعران و سخن‌روایان در بند تعلیم و تربیت افراد بوده و نظریات تربیتی و اخلاقی خود را به وجهی پیگیر و جدی و در عین حال روشن و رسا بیان کرده است. تاکید بر اهمیت تعلیم و تربیت تا آن‌جا پیش رفته است که مراکز آموزش و پرورش آن روزه یعنی «مدرسه»‌ها را بر «خانقاه» و کانون‌های تجمع «اهل طریق» که در آن روزگان نامی و آوازه‌ای داشتند برتر شمرده است (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۳۸).

سعدی بر این اعتقاد داشت که یادگیرندگان و تربیت‌شوندگان بر حسب استعداد و توان خود از محیط تربیتی، خاص بهره می‌گیرند: «یکی را از وزار پسری کودن بود. پیش یکی دانشمندان فرستاد که: «مر این را تربیت می‌کن مگر که عاقل شود.» روزگاری تعلیم کردش و موثر نبود. پیش پدرش کس فرستاد که این عاقل نمی‌باشد و مرا دیوانه کرد.» (گلستان، باب ۷: ۱۵۳).

سعدی همچون معتقد است که دوران کودکی مرحله اطاعت از مربی و زمان رحمت برای آموختن است که نتیجه این زحمات در بزرگی آشکار می‌شود. این دوران زمان نقش‌پذیری و تربیت است. اگر در کودکی تربیت به شیوه پسنندیده صورت نگیرد، اصلاح آن رفتارها و جبران آن در دوره بزرگسالی دشوار یا غیرممکن خواهد بود. در حقیقت سعد معتقد است که آموزش و پرورش نقش موثری در سرمایه‌گذاری برای دوران بزرگسالی دارد و معلمان باید در آموزش‌های خود حداکثر دقت را به‌کار گیرند. او می‌گوید:

ندانی که سعدی مراد از چه یافت / نه هامون نوشت و نه دریا شکافت؟
به خردی بخورد از بزرگان قفا / خدا دادش اندر بزرگی صفا
هر آن کس که گردن به فرمان نهد / بسی بر نیاید که فرمان دهد
هر آن طفل کاو جور آموزگار / نبیند، جفا بیند از روزگار
پسر را نکودار و راحت رسان / که چشمش نماند به دست کسان

(بوستان، باب ۷: ۳۵۷).



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

سعدی معتقد است که دوران کودکی، دوران واقعی تربیت و نقش‌پذیری است. اثرات تربیتی معلم برای کودک و زحمات وی در بزرگی نمایان می‌شود و دوره‌ی کودکی برای سرمایه‌گذاری برای ساخت آینده‌ای درخشان خواهد بود. تربیت در این دوره‌ی سنی کوتاه است اما جبران آن در بزرگ‌سالی دشوار و نشدنی است.

سعدی درباره‌ی محیط، دوستی و هم‌نشینی با خوبان و آثار آن در رفتار انسانی به مواردی مختلف اشاره می‌کند. او معتقد است:

گلی خوشبوی در حمام روزی / رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مشکی یا عبیری / که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم / ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال هم‌نشین در من اثر کرد / و گر نه من همان خاکم که هستم

(گلستان: ۵۱).

سعدی علاوه بر توصیه‌های خود در حوزه تعلیم و تربیت، به آموختن علم سفارش می‌کند و معتقد است: «دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند، یکی آن که اندوخت و نکرد و دیگری آن که آموخت و نکرد» او می‌گوید:

علم چندان که بیشتر خوانی / چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند / چارپایی بر او کتابی چند
آن تهی دفتر را چه علم و خبر / که بر او هیزم است یا دفتر

(گلستان، باب ۸: ۱۷۲).

به عبارتی دیگر سعدی معتقد است که علم زمانی موثر و سودمند خواهد بود که همراه با عمل همراه باشد، عملی که بتواند به رشد آدمی کمک کند در غیر این صورت علمی که بدون عمل باشد هیچ نفعی ندارد و نادانی انسان و فراگیر را به نمایش می‌گذارد. می‌توان گفت که از نظر سعدی، علم می‌تواند انسان را به کمال و رشد برساند و معلم نقش موثری در این رابطه ایفا می‌کند.

سعدی همچنین به معلمان نیز اشاره می‌کند. او آموزش را فرایندی دو سویه می‌داند چنان که گفتار آموزگاران می‌تواند بر مستمعین تاثیر بگذارد. او معتقد است که کلام یک معلم در مخاطبین مختلف آثار متفاوتی را بر جای می‌گذارد و می‌گوید:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست / در باغ لاله روید و در شوره بوم، خس

(سعدی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

از این رو سعدی، در فرایند آموزش معتقد است که ادراک مخاطبین بر جریان آموزش و یادگیری تاثیر می‌گذارد. برای بعضی از مخاطبین به دلیل ناتوانی در درک معارف، عرصه بر متکلم تنگ می‌شود و مانع از پرواز اندیشه می‌گردد از این رو، برخورداری از حضور فراگیران مشتاق و مستعد می‌تواند یکی از رموز توفیق معلمی قلمداد گردد.

تعلیم و تربیت در اندیشه مولانا:

مولانا نیز مجلس درس را فضایی مناسب برای جوشش فکرت می‌داند. او به خوبی به اهمیت حضور مخاطبان خاص واقف است. او می‌گوید:

ای دریغا مر ترا گنجا بدی / تا ز جانم شرح دل پیدا شدی
این سخن شیرست در پستان جان / بی‌کشنده خوش نمی‌گردد روان
مستمع چون تشنه و جوینده شد / واعظ ار مرده بود گوینده شد
مستمع چون تازه آمد بی ملال / صدزبان گردد به گفتن گنگ و لال

(مولانا، ۱۳۷۵: دفتر ۱: ابیات ۹۱-۲۳۸۸)

مولانا افسردگی و ملالت مخاطبان را بزرگ‌ترین مانع کسب علم و بهره‌مندی از استاد می‌داند از نظر او حضور حداقلی چنین مستمعانی نیز جو مجلس را تحت تاثیر قرار می‌دهد و انرژی منفی یک نفر، مربی را از انجام وظایف باز می‌دارد.

گر هزاران طالبند و یک ملول / از رسالت باز می‌ماند رسول

(همان، دفتر ۳: بیت ۳۶۰۳)

مولانا معتقد است که باید همواره رفتار خود را بر اساس معیارهایی که از جانب خدا تعیین شده و مورد تایید اوست انجام دهیم. در مسئله تربیت او وجود مربی و تعیین معیارهای مشخص و قابل سنجش را از مهم‌ترین اصول دستیابی به هدف می‌داند. او در یک حکایت از مثنوی به سختی‌ها و زحمتهایی که باید برای رسیدن به کمال متحمل شد اشاره می‌کند:



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

گر کمالم، با کمال انکار چیست؟ / و نیم، این زحمت و آزاد چیست؟
ما چو چنگیم و تو زخمه می‌زنی / زاری از ما نی، تو زاری می‌کنی

همچنین یکی دیگر از مسائل مهم در فرآیند تعلیم و تربیت، محاسبه مداوم فرد است. مولانا نیز بارها در اشعار خود بر مسئله محاسبه نفس و دقت در اعمال اشاره می‌کند. وی وجود انسان را به آینه‌ای تشبیه کرده است که باید زنگار غفلت و فراموشی را از آن زدود تا بتوان نقش‌های شفاف درونش را مشاهده کرد.

پس چون آهن گرچه تیره هیكلی / صیقلی کن صیقلی کن صیقلی
تا دلت آینه گردد پر صور / اندرو هر سو ملیحی سیم بر
آهن هر چه تیره و بی‌نور بود / صیقلی آن تیرگی از وی زدود
صیقلی دید آهن و خوش کرد روی / تا که صورت‌ها توان دید اندرو
گر تن خاکی غلط و تیره است / صیقلش کن زانکه صیقل گیره است

مولانا، در فرایند تعلیم و تربیت، مشورت را یکی از اصول مهم و اولیه برمی‌شمارد و معتقد است که با مشورت گرفتن از دیگران، دایره دانش و بینش ما گسترده شده و امکانات جدیدی برایمان فراهم می‌شود. به باور مولانا مشورت با کودکان و نوجوانان گام بسیار موثری در راستای تقویت اعتماد به نفس و رشد شخصیتی آن‌ها به شمار می‌رود. اگر والدین و مربیان با کودکان و نوجوانان مشورت کنند، آن‌ها فضای خانه، مدرسه و اجتماع را امن می‌یابند و بدون ترس از عدم پذیرش، نظرات خود را اظهار می‌کنند، مولانا مشورت را از اصول مورد تاکید اسلام می‌داند و فردگرایی در اندیشه‌ورزی و تصمیم‌گیری را مردود می‌شمارد و می‌گوید:

مشورت، ادراک و هشیاری دهد / عقل‌ها، مرعقل را یاری دَهد
گفت پیغمبر: بکن ای رای‌زن / مشورت، کالمستشار موتَمَن

در فرآیند تعلیم و تربیت، مولانا عقیده دارد که مربی و فرد آموزنده باید تمام تلاش خود را معطوف به هدف خود کنند. ممکن است در این راستا اتفاقاتی رخ دهد که در نگاه اول برای فرد ناخوشایند است، اما صبر، تلاش و چشم‌پوشی از اغراض نفسانی، یکی از ارکان موفقیت است. مربی باید بدون غرض‌ورزی و قضاوت، به فرایند تربیت و فرد تحت تربیت، نگاه کند. شخص مورد تعلیم هم باید فضای امن تربیت را احساس کند و مطمئن باشد که تنها هدف از تربیت رشد و بالندگی اوست (رضایی، ۱۳۹۹: ۱۷).

مولانا بارها انسان را از غرض‌ورزی برحذر می‌دارد و معتقد است غرض داشتن، مانع از آگاهی و تعالی افراد است. وی در آغاز دفتر سوم مثنوی، طمع و غرض را مانع و سد دانش و آگاهی می‌داند و چنین می‌گوید:

گوش را بندد طمع از استماع
چشم را بندد غرض از اطلاع

نقش اندیشه‌های تعلیم و تربیتی شاعران در ارتقای حرفه‌ای معلمان

بررسی آثار شاعران نشان می‌دهد که اندیشه‌های تربیتی آنان می‌تواند به معلمان در ارتقای حرفه‌ای آنان کمک نماید. بر این اساس می‌تواند اندیشه‌های تربیتی شاعران و تاثیرگذاری آنان بر معلمان را به شرح ذیل تحلیل کرد:

شاعر	اندیشه تعلیم و تربیتی شاعر	اثرگذاری آن بر ارتقای حرفه‌ای معلمان
اوحدی مراغه‌ای	دوری از خودپسندی و خودبزرگ‌بینی و سفارش به رعایت تواضع و فروتنی	باعث می‌شود معلم در کلاس درس، ضمن حفظ تواضع و فروتنی با دانش‌آموزان رفتاری نیکو داشته و نحوه رفتار صحیح را با تکیه بر اشعار شاعران و بیان حکایات به دانش‌آموزان خود آموزش دهد.
سعدی	کسب علم و دانش و دوری از مال اندوزی صرف	معلم می‌تواند با تکیه بر اشعار اوحدی مراغه‌ای، نحوه به‌دست آوردن علم مطلوب را بیان نماید و علم سودمند و صحیح و درست را به دانش‌آموزان خود آموزش دهد.
	تربیت یادگیرندگان بر حسب استعداد و توان خود	معلم با دانش‌آموزان خود بر حسب استعداد و توانمندی‌های آنان رفتار می‌کند.
	توصیه به تربیت کودکان و اهمیت تربیت آنان در این دوره در ساختن آینده‌ای درخشان برای خود	معلمان نسبت به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان خود با تکیه بر اشعار شاعران و بیان حکایت می‌توانند بسیار اثرگذار باشند.
	آموختن علم و به کار بردن مفید آن	معلم می‌تواند به دانش‌آموزان خود توصیه کند که علم را به صورت درست فرا بگیرد و هر آن‌چه را که در حوزه تعلیم و تربیت یاد می‌گیرد به درستی به کار ببندد تا موفق شود.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

معلم می‌تواند مباحث درسی را متناسب با توانمندی و ادراک دانش‌آموزان خود تقسیم بندی کند تا فهم مباحث درسی برای آنان ممکن شود.	تأثیرگذاری ادراک مخاطبین بر جریان آموزش و یادگیری	مولانا
معلم می‌تواند در جریان یادگیری و ارائه نکات تعلیم و تربیتی، دانش‌آموزان را در این فرآیند مشارکت دهد. مشارکت پذیری دانش‌آموزان موجب ارتقای فهم آنان در جریان یادگیری می‌شود و دانش‌آموز با علاقه بیشتری در کلاس درس حاضر خواهد شد.	مشورت گرفتن از دیگران، خصوصاً از نوجوانان با هدف افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس آنان	
معلم با ارائه راهکارهای تعلیم و تربیتی و بیان حکایت و اشعار شاعران، نسبت به توجه دانش‌آموزان به درس تلاش نماید.	توجه مربی و دانش‌آموز معطوف به هدف باشد.	

جدول شماره ۱- اندیشه‌های تربیتی شاعران و تأثیرگذاری آن بر ارتقای حرفه‌ای معلمان

۴- نتیجه‌گیری:

معلمان در فرایند تعلیم و تربیت می‌توانند از روش‌های متفاوتی به منظور کیفیت بخشی در جریان تدریس، آموزش دانش‌آموزان و سنجش و ارزشیابی بهره‌گیرند. استفاده از الگوهای متفاوت و نو، در ارتقای حرفه‌ای معلمان نقشی موثر دارد. بر این اساس، استفاده از اندیشه‌های تعلیم و تربیتی شاعران و ادیبان نیز می‌تواند به معلمان در جریان آموزش کمک نماید و در نهایت منجر به ارتقای حرفه‌ای آنان گردد. اندیشه‌های تعلیم و تربیتی نیز در شعر شاعران اوحدی مراغه‌ای، سعدی و مولانا مشاهده و قابل تحلیل است. هر کدام از این شاعران ضمن ارائه توصیه‌های تربیتی بر اهمیت دانش و آموزش و علم‌اندوزی و به‌کاربردن آن در راه درست و جلوگیری از ثروت‌اندوی صرف تأکید ورزیده‌اند و هر کدام نقشی را برای معلمان در امر آموزش و جریان یاددهی و یادگیری قائل شده‌اند. استفاده از رویکردهای تربیتی شاعران می‌تواند به معلمان کمک کند و آنان را در هر چه بهتر برگزار کردن کلاس‌های درس و کیفیت بخشی به جریان یاددهی و یادگیری یاری رساند و در نهایت ارتقای حرفه‌ای معلمان را رقم بزند.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

منابع:

- ابراهیمی، علی اوسط (۱۳۷۵)، وجوه مشترک تعلیم و تربیت در آثار اوحدی مراغه‌ای و سعدی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، سال سی و چهارم، شماره ۳ و ۴.
- اوحدی مراغه‌ای (۱۳۴۰)، دیوان اوحدی مراغه‌ای با مقدمه استاد نفیسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ترابی، علی اکبر (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، تبریز: فروغ آزادی.
- ذکر جمیل سعدی (۱۳۶۹)، کمیسیون ملی یونسکو - ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۹.
- رضایی، منصوره (۱۳۹۹)، کار نیکان را قیاس از خود مگیر؛ برخی از اصول تربیتی در شعر مولانا، نشریه رشد آموزش خانواده، دی ۱۳۹۹، شماره ۱۰، صص ۱۷ - ۱۶.
- سعدی شیرازی، مشرف الدین مصلح (۱۳۶۲)، کلیات، تصحیح محمد علی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۶۹)، بوستان، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بی تا.
- (۱۳۶۹)، گلستان، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بی تا.
- فقیه پرشکوهی، آسیه (۱۳۹۹)، نقش فراگیران در ارتقای حرفه‌ای معلمان با تکیه بر آثار سعدی، شمس تبریزی و مولانا، فصلنامه پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۴۲ - ۲۶.
- گندمی، فهیمه (۱۳۹۵)، به سوی رویکردی مدرسه بنیان در حوزه رشد و بالندگی حرفه‌ای معلمان: تعیین عناصر اساسی یک رویکرد عصر بخش، فصلنامه تربیت معلم فکور، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۴۰ - ۱۱۹.